شرح رواىات «خمسه اروا ح»

در کتاب بصائر الدرجات از محمد ابن الحسن الصفار، که از اصول روائیه است. در چاپی که در نرم افزار هم هست، صفحه ۴۵۴، روایت سیزدهم؛ ببینید ایشان سند را ذکر می‌کنند و می‌فرمایند:

> عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع سَأَلْتُهُ عَنْ عِلْمِ الْإِمَامِ بِمَا فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ وَ هُوَ فِي بَيْتِهِ مُرْخًى عَلَيْهِ سِتْرُهُ فَقَالَ يَا مُفَضَّلُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَ لِلنَّبِيِّ ص خَمْسَةَ أَرْوَاحٍ رُوحَ الْحَيَاةِ فَبِهِ دَبَّ وَ دَرَجَ وَ رُوحَ الْقُوَّةِ فَبِهِ نَهَضَ وَ جَاهَدَ وَ رُوحَ الشَّهْوَةِ فَبِهِ أَكَلَ وَ شَرِبَ وَ أَتَى النِّسَاءَ مِنَ الْحَلَالِ وَ رُوحَ الْإِيمَانِ فَبِهِ أَمَرَ وَ عَدَلَ وَ رُوحَ الْقُدُسِ فَبِهِ حَمَلَ النُّبُوَّةَ فَإِذَا قُبِضَ النَّبِيُّ ص انْتَقَلَ رُوحُ الْقُدُسِ فَصَارَ فِي الْإِمَامِ وَ رُوحُ الْقُدُسِ لَا يَنَامُ وَ لَا يَلْهُو وَ لَا يَسْهُو وَ الْأَرْبَعَةُ الْأَرْوَاحُ تَنَامُ وَ تَلْهُو وَ تَغْفُلُ وَ تَسْهُو وَ رُوحُ الْقُدُسِ ثَابِتٌ يَرَى بِهِ مَا فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ يَتَنَاوَلُ الْإِمَامُ مَا بِبَغْدَادَ بِيَدِهِ قَالَ نَعَمْ وَ مَا دُونَ الْعَرْشِ[1]

«عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع سَأَلْتُهُ عَنْ عِلْمِ الْإِمَامِ بِمَا فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ وَ هُوَ فِي بَيْتِهِ مُرْخًى عَلَيْهِ سِتْرُهُ»؛ سوالی زیبا است که مربوط به بحث ما است. جوابی که امام علیه السلام می‌دهند، جواب‌ها خیلی است، بعضی جواب‌ها حالت کلیدی دارد و آن کلیدش مهم است، می‌گوید ای‌بن رسول‌الله! امام، عالم «بِمَا فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ» هستند؛ همه چیز را روی کره زمین می‌دانند، بلکه بالاتر از آن، بلکه برویم جلوتر. حال او اینطور سوال می‌کند. ولی مهم این است «**هُوَ فِي بَيْتِهِ مُرْخًى عَلَيْهِ سِتْرُهُ**»؛ در خانه‌ی خودشان هستند، در اتاق‌شان هستند، دیوار هست، در هست، پرده هست. «**مُرْخًى عَلَيْهِ سِتْرُهُ**»؛ ستر بر او حاجب شده و انداخته شده و برای او ساتر است، چطور از همه آن‌ها خبر دارند؟

کلید: کلمه اروا ح

«فَقَالَ يَا مُفَضَّلُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَ لِلنَّبِيِّ ص خَمْسَةَ أَرْوَاحٍ»؛ این کلمه «اروا ح» همان کلیدی است که می‌خواهم عرض کنم. ما می‌گوییم هر کسی چند روح دارد؟ یک روح دارد. وقتی هم رفت می‌میرد. اینجا هم وقتی سوال می‌کند که آقا چطور است با اینکه امام در خانه‌ی خودشان هستند ولی خبر از همه جا دارند؟ در خانه‌ی خودشان هستند و خواب هستند، زیر یک دثار و روانداز خواب هستند، هر کس بیاید می‌گوید امام خواب هستند، حرف نزنید که حضرت بیدار می‌شوند، اما می‌گویید که از همه جا خبر دارند؟! پس چطور می‌شود با اینکه خواب هستند، خبر هم داشته باشند؟! خب یک روح است، خواب که رفت، خواب است!

آن کلید این است: حضرت می‌فرمایند: **«للنبی خَمْسَةَ أَرْوَاحٍ»**؛ پنج روح است. شما اگر بتوانید این ارواح را درک کنید که چطور می‌تواند در یک وجود، چند روح باشد، اگر شروع کنید این را درک کنید، کمکم می‌توانید پی ببرید به حال امام، و مراحل بعدی را به‌صورت حلّی و فنی جلو بروید و بفهمید. «خَمْسَةَ أَرْوَاحٍ».

خب این پنج روح، هیچ ربطی به ما ندارد؟ ما همه یک روح داریم؟ حضرت می‌فرمایند: نه، مثالش در خود شما هم هست. می‌توانید این‌ها را بفهمید، اما امام یک چیزی دارد که آن دیگر در شما نیست، ولی مَثَلی از آن در شما هست. کلید فهمش را شما دارید. می‌فرمایند: ای مفضل، خدای متعال در پیامبر «خَمْسَةَ أَرْوَاحٍ» قرار داده است. آن‌ها چیست؟ **«وَ رُوحَ الْحَیَاةِ فَبِهِ دَبَّ وَ دَرَجَ وَ رُوحَ الْقُوَّةِ فَبِهِ نَهَضَ وَ جَاهَدَ وَ رُوحَ الشَّهْوَةِ وَ رُوحَ الْإِیمَانِ وَ رُوحَ الْقُدُسِ»**.

ببینید در روایات متعددی که در همین کتاب هست، چون خود سائل می‌گوید «مُرْنِی عَلَیْهِ سِتْرُهُ»، من آن را به‌عنوان محور بحث و کلید آوردم، ولی در همین کتاب چند مورد دیگر هست که صفحاتش را عرض می‌کنم، بعداً مراجعه کنید. این باب پانزدهم است، باب سیزدهم هم هست؛ روایاتی که مفصل این پنج روح را توضیح داده‌اند. مثلاً حضرت فرمودند:

> عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ: فِي الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَوْصِيَاءِ خَمْسَةُ أَرْوَاحٍ رُوحُ الْبَدَنِ وَ رُوحُ الْقُدُسِ وَ رُوحُ الْقُوَّةِ وَ رُوحُ الشَّهْوَةِ وَ رُوحُ الْإِيمَانِ وَ فِي الْمُؤْمِنِينَ أَرْبَعَةُ أَرْوَاحٍ أَفْقَدُهَا رُوحُ الْقُدُسِ وَ رُوحُ الْبَدَنِ وَ رُوحُ الشَّهْوَةِ وَ رُوحُ الْإِيمَانِ وَ فِي الْكُفَّارِ ثَلَاثَةُ أَرْوَاحٍ رُوحُ الْبَدَنِ وَ رُوحُ الْقُوَّةِ وَ رُوحُ الشَّهْوَةِ ثُمَّ قَالَ رُوحُ الْإِيمَانِ يُلَازِمُ الْجَسَدَ مَا لَمْ يَعْمَلْ بِكَبِيرَةٍ فَإِذَا عَمِلَ بِكَبِيرَةٍ فَارَقَهُ الرُّوحُ وَ رُوحُ الْقُدُسِ مَنْ سَكَنَ فِيهِ فَإِنَّهُ لَا يَعْمَلُ بِكَبِيرَةٍ أَبَدًا[2]

«... وَ فِي الْكُفَّارِ ثَلَاثَةٌ»؛ توضیح این‌که این پنج روحی که در انبیاء و اوصیاء هست، چهار مورد از این پنج روح در مومنین هست و سه تا از آن چهار روح در کفار هم هست. خب اگر در کفار سه روح است، اگر در آن سه روح خوب تأمل بکنیم، فی‌الجمله می‌توانیم کلیدی پیدا کنیم برای این‌که اگر در انبیاء پنج روح هست، سنخ آن تعدّد چیست. آن تعدّد روح چه‌کار می‌کند؟ با این‌که ما می گوییم هر کسی یک روح بیشتر ندارد، ولی امام می‌فرمایند در هر کافری هم سه روح است؟ این چطور می‌شود؟مقصود من روشن است؟

کلید، این است که وقتی روح -از آن یک روحی که ما می‌گوییم- متعدد شد، شروع می‌شود که ما درک کنیم در یک وجودی پنج روح است، در یک وجودی چهار روح است، در یک وجودی سه روح است. حضرت دنبال آن روایت فرمودند: **«رُوحُ الْإِیمَانِ یُلَازِمُ الْجَسَدَ»**؛ شما توضیحش را بهتر از من می‌دانید، در همان سه روح هم امروزه جدا بودن این سه روح مفصلتر واضح شده است؛ می‌تواند یک روح برود و یک روح دیگر باشد. ولی این‌که حضرت در این‌جا -روایت سوم در باب قبلی- فرمودند: **«رُوحُ الْإِیمَانِ یُلَازِمُ الْجَسَدَ»**، به این معنا است که مؤمن روح‌الایمان دارد و همیشه هم همراه جسدش است ولی **«مَا لَمْ یَعْمَلْ بِكَبِيرَةٍ»**؛ تا مادامی که گناه از مؤمن سر نزده، روح‌الایمان همراهش است. **«فَإِذَا عَمِلَ بِكَبِيرَةٍ فَارَقَهُ الرُّوحُ»**؛ روح الایمان می‌رود.

تفاوت مؤمن و معصوم

«وَ رُوحُ الْقُدُسِ مَنْ سَكَنَ فِيهِ فَإِنَّهُ لَا يَعْمَلُ بِكَبِيرَةٍ أَبَدا»؛ تفاوت مؤمن و معصوم این است؛ مؤمن روحالایمان دارد و همراهش هم هست، ولی اگر کبیره انجام داد میرود، تا توبه کند و برگردد، ولی کسی که صاحب روحالقدس است، **«لَا يَعْمَلُ بِكَبِيرَةٍ»**؛ اصلاً از او سر نمیزند تا از او مفارقت کند.

---

[1] بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج۱، ص: ۴۵۴

[2] همان ۴۴۸

بازبینی #2
ایجاد شده 10 ژوئیه 2024 14:25:18 توسط ... .
به روزرسانی شده 13 ژوئیه 2024 11:26:14 توسط ... .